



راهپیمایی اربعین در تاریخ نظیر ندارد. چشمهای مردم دنیا به این حرکت دوخته شده است/ منطق حسین(ع) منطق دفاع از حق، ایستادگی در برابر ظلم، و طغیان در مقابل گمراهی و استکبار است. پیام امام حسین، پیام نجات دنیا است. حرکت عظیم اربعین دارد این پیام را منتشر میکند و این حرکت باید تقویت شود. این خون حسین بن علی است که بعد از ۱۴۰۰ سال دارد میجوشد.



سال چهارم شماره ۲۵۳ شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۸
www.hadinews.ir
 کانال معیار در سروش @meyar.pb

دقیق تر شلاق بزیم...

فارس: چطور ممکن است منشا جرم امنیتی کارگری را نبینیم؟ چرا نباید کسی سراغ مسئولینی رود که با بی توجهی به حداقل ۴۵ قید در اجرای اصل ۴۴ و با نگاه صرفاً دفع شر به شرکت های دولتی، اقتصاد ملی و معیشت کارگری را نابود می کنند؟ وضعیت امروز هپکو و هفت تپه و آذرباب نتیجه نگاه انحرافی دولت به خصوصی سازی است. دولتی که رانتی رفتار کند، مشتری اش نیز بخش خصوصی دلال و سوداگر و بی کفایت است.

شلاق را محکمتر بزیم اما دقیق. ماجرا وقتی ملانصرالدینی می شود که دولت صرفاً با هدف درآمدزایی، شرکت های دولتی را بصورت سراسیمه و سوال برانگیز و شبهه ناک واگذار می کند و بعد مجبور می شود برای امنیت سیاسی، از جیب بیت المال شرکت را سرپا نگه دارد و حقوق کارگرها را بپردازد. توجه داریم که اینجا صدای کارگری بلند است که گوش ها تیز می شود؛ واگر نه سالهاست خصوصی سازی بانکی، سیاست های مالی و پولی کشور را به گروگان گرفته است و کسی یارای مقابله با این فساد نیست. این سیاهه ادامه دارست؛ از خصوصی سازی آموزش تا درمان تا ...

هنوز به این بلوغ نرسیدیم که مردمی سازی اقتصادی الزاماً خصوصی سازی نیست. مردمی سازی اقتصاد یعنی شرایط اقتصادی-سیاسی را چنان فراهم کنیم تا مردم انگیزه تولید پیدا کنند و بخش خصوصی مولد فعال شود؛ حال آنکه خصوصی سازی مرسوم، تنها و تنها تغییر مالکیت است و انتقال رانت. با این حال چشم امید همه به عدلیه است تا با شعار صیانت از حقوق عامه به بیدار خصوصی سازی و داد کارگران مظلوم برسد.

این ویروس های عفونت ز...

کیهان: ممنوعیت نقل احادیث بیش از صد سال و تا دوران عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت. در این فاصله زمانی طولانی اگرچه برخی از دلدادگان وفادار به اسلام ناب محمدی(ص) به جمع آوری و کتابت پنهان احادیث مشغول بودند ولی ممنوع بودن نقل و نوشتن آن، به مردم اجازه نمی داد تا از واقعیات با خبر شوند و به تدریج سنت پیامبر اکرم(ص) در میان طیف گسترده ای از مردم آن روزگار به فراموشی سپرده شد تا آنجا که خلافت به سلطنت تبدیل شد! همزمان با ممنوعیت نقل و نوشتن احادیث پیامبر خدا(ص) که راهنما و راهگشای دوران پس از رحلت آن حضرت بود، خطیبان و سخنرانان را ملزم کرده بودند تا بر منبرها حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را سب کرده و دشنام بدهند و... چنین بود که وقتی اباعبدالله الحسین(ع) پرچم قیام علیه حاکمیت فاسد و ستمگر یزید را برافراشت، بسیاری از مردم آن روزگار حضرتش را نمی شناختند و ایشان و یارانش را خارجی (خارج شده از دین اسلام و آئین جد بزرگوارش!) تلقی می کردند و... این قصه سر دراز دارد.

حذف نام شهدا از کوچه ها و خیابان ها و برخی از معابر که اخیراً شاهد آن بوده ایم را نمی توان و نباید سرسری گرفت و از کنار آن با بی خیالی عبور کرد. مخصوصاً آنکه این حرکت خزنده در حالی صورت می پذیرد که برخی از خیابان ها را به نام تعدادی از افراد بدسابقه و بعضاً دشمنان اسلام و انقلاب و مردم نامگذاری کرده اند! از این روی به سختی می توان این حرکت مرموز را با بهانه هایی که به آن متمسک می شوند قابل توجیه دانست . به قول رهبر معظم انقلاب «انگیزه هایی وجود دارد برای اینکه یاد شهدا به فراموشی سپرده شود. انگیزه های بسیار شدیدی وجود دارد که آنها را به فراموشی بسپارند... جلوه های کاذب را مطرح می کنند، عظمت های دروغین را مطرح می کنند تا عظمت های واقعی از بین برود... نگذارید غبار فراموشی که عمداً می خواهند بر روی این خاطره های گرامی بپاشند، پاشیده شود.

در خبرها آمده است شهردار محترم تهران به همه شهرداران مناطق دستور داده است تا هرچه سریعتر اشکالات مربوط به تابلوی شهدا را رفع کرده و پیمانکاران متخلف عزل شوند. عزل پیمانکاران متخلف اگرچه اقدام درخور تقدیری است ولی چاره کار نیست. حذف نام شهدا را نمی توان و نباید اقدامی ناشی از یک خطای معمولی و یا یک اشتباه عادی و تصادفی تلقی کرد. این اقدام به احتمال بسیار زیاد و نزدیک به یقین، از سوی یک جریان خزننده و با برنامه ریزی قبلی صورت گرفته است که باید تحت پیگردهای امنیتی و قضایی قرار بگیرند. عزل آنها، فقط انتقال این ویروس های عفونت ز، از نقطه ای به نقطه دیگر است.

بازی تازه جذاب شده است!

رسالت: "اخراج جان بولتون از کاخ سفید"، شکست نتانیاهو در انتخابات سراسری سرزمین های اشغالی "و" سراسیمگی و سردرگمی سعودی ها پس از انهدام بخشی از تاسیسات آرامکو" وضعیت بحرانی و سختی را در جبهه دشمنان منطقه ای و فرمانطقه ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. در این میان، تروئیکای اروپایی (انگلیس، آلمان و فرانسه) نیز سراسیمه مشغول رصد صحنه ای هستند که هنوز ابعاد، میزان ماندگاری، شفافیت، دامنه و عمق آن برای آنها مشخص نیست. به راستی چه اتفاقی در عرصه بین الملل رخ داده است؟ بازیگران اروپایی که تا چندی پیش، عملاً در مقابل اعمال راهبرد فشار حداکثری ایالات متحده در برابر ایران سکوت کرده و حتی در مواردی با آن همراه شده بودند، امروز حل بحران به وجود آمده در مناسبات آمریکا و ایران را یک "الزام راهبردی" تلقی می کنند! آیا این تغییر مشی، ناشی از "دگرگونی ذاتی اروپائیان" است یا "مواجهه آنها با واقعیت ایران قدرتمند"؟!

پدیده هایی که طی هفته های اخیر، یکی پس از دیگری به سود محور مقاومت در منطقه و نظام بین الملل رخ می دهد، هر یک دارای پیامها و مولفه هایی هستند که باید در ترسیم معادلات راهبردی و رفتاری حوزه سیاست خارجی کشورمان مدنظر قرار گیرد، در موضوع اخراج جان بولتون، ما با پدیده "واکنش محور" رو به رو هستیم نه "کنش محور". به عبارت بهتر، اخراج ناخواسته بولتون، واکنش ترامپ در قبال تحولات جاری در منطقه بود. یکی از این تحولات مهم، استقامت جمهوری اسلامی ایران در برابر راهبرد فشار حداکثری آمریکا و روی آوری کشورمان به راهبرد "مقاومت فعال" بود. جان بولتون، معتقد بود که نهایتاً تا آبان ماه سال ۱۳۹۷، راهبرد فشار حداکثری، بدترین ضربات ممکن را به نظام و ملت ایران وارد خواهد کرد و در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران باید میان دو گزینه "بقای حداقلی" یا "سقوط" دست به انتخاب بزند! این توهم بولتون، به مثابه یک گزاره راهبردی در کاخ سفید مورد توجه ترامپ و همراهانش قرار گرفته بود. هم اکنون، این ترامپ است که باید میان "بقای حداقلی در قدرت" یا "سقوط در انتخابات سال آینده" دست به انتخاب بزند! شکست نتانیاهو در سرزمین های اشغالی نیز در نوع خود از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نخست وزیر رژیم صهیونیستی در صدد بود تا با وارونه نمایی حقایق موجود در خصوص جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت فلسطین و لبنان، موقعیت سیاسی خود را در سرزمین های اشغالی تثبیت کند. با این حال، دروغ ها و وارونه نمایی های نتانیاهو حتی در میان ساکنان اراضی اشغالی نیز مورد استقبال قرار نگرفت. هر چند میان "بنی گانتز" و نتانیاهو "در این معادله اساساً تفاوتی وجود ندارد، اما شکست نتانیاهو نشان داد که دیگر زمان ارائه روایات کاذب از جبهه مقاومت و متعلقات آن به سر آمده است. سرانجام آنچه امروز در عربستان سعودی و در میان بازماندگان عبدالعزیز رخ می دهد نیز نقطه آشکارساز استیصال و شکست آل سعود در یمن و منطقه محسوب می شود. پس از شکست سعودی ها در سوریه، عراق و بر باد رفتن میلیاردها دلار هزینه ای که آنها صرف تاسیس و تجهیز داعش و جبهه النصره و دیگر گروه های تروریستی - تکفیری کردند، آنها امروز ناچارند پرچم شکست را در یمن بالا برده و در انتظار مجازات خویش بابت کشتار هزاران کودک و زن و مرد بی گناه بنشینند. آری! بازی تازه جذاب شده است، اما این جذابیت هیچ گاه به مذاق دشمنان مقاومت خوش نخواهد آمد.

حرف روز / پیام‌های آرامکو!

پایگاه بصیرت: تبلیغات و جنگ روانی آمریکایی- سعودی در حالی انجام می‌شود که تجاوز ائتلاف سعودی به یمن- که از مارس ۲۰۱۵ آغاز شده- هم اکنون نیز متوقف نشده و بر اساس گزارش دانشگاه «دنور» که با نظارت سازمان ملل انجام شده است، حدود ۱۳۱ هزار یمنی بین سال ۲۰۱۵ و اواخر سال ۲۰۱۹ جان خود را از دست داده‌اند و میزان تلفات ناشی از درگیری و بیماری ۲۳۳ هزار نفر یا به عبارتی ۸ درصد جمعیت ۳۰ میلیونی یمن برآورد شده است؛ بر اساس همین گزارش در پنج سال اخیر حدود ۸۹ میلیارد دلار به اقتصاد یمن خسارت وارد شده است. اینها تنها بخشی از فجایعی است که ائتلاف سعودی از فروردین ۱۳۹۴ در یمن مرتکب شده است. یمن تنها بخشی از مظلومیت محور مقاومت و البته آشکارترین نماد مظلومیت مقاومت است. در سال‌های گذشته همین کشورهایی که اجازه نداده و نمی‌دهند غذا و دارو به مردم یمن برسد و به بی‌رحمانه‌ترین محاصره زمانه علیه مردم یمن دست زده‌اند، سبب شده‌اند مردم عراق، سوریه و لبنان نیز از جنگ نظامی در امان نباشند و روزی نیست که خبری از جنایت‌های محور آمریکایی- سعودی و صهیونیستی در این کشورها منتشر نشود. در این میان جنگ اقتصادی که همین ائتلاف خبیث علیه مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی به راه انداخته‌اند، خود جای بحث مفصل دارد. این ائتلاف از اردیبهشت ۱۳۹۷ با خروج آمریکا از برجام و اعمال فشار حداکثری مصمم بود صادرات نفت ایران را به صفر برساند و در نهایت جمهوری اسلامی ایران را به منزله قلب تپنده محور مقاومت به نقطه تسلیم برساند. با این شرایط که ائتلاف مذکور پدید آورده، چگونه انتظار دارند محور مقاومت دست روی دست بگذارد و تماشاگر ظلم‌ها و جنایت‌های بیشماری باشد که روزانه علیه مردم مظلوم یمن اتفاق می‌افتد؟ چرا نباید به انصاری حق داد که آرامکو را در هم بکوبد و صادرات نیمی از نفت عربستان را متوقف کند؟ امروز جغرافیای تهدید و تهاجم برای محور مقاومت گسترده‌ای است که از مدیرانه تا اقیانوس هند را در بر می‌گیرد. جبهه مقاومت در این مقطع بیش از هر زمانی از حیث معنایی و هویتی به هم نزدیک شده و درک مشابهی از دشمن و تهدید دارند. بی‌تردید، اگر ائتلاف مذکور تغییر سیاست ندهد و از «جنایت نظامی» و «جنگ اقتصادی» دست برندارد، قطعاً حمله به آرامکو آخرین و مهم‌ترین حملات نخواهد بود.

آموزش تحلیل سیاسی

مذاکره با آمریکا قطعاً منتفی است (۸)

گرچه اروپایی‌ها در تعامل با ایران تا به امروز، صرفاً وعده‌های روی کاغذ داده و اقدام عملی انجام نداده‌اند، اما این به معنای قطع رابطه یا مذاکره‌ای با آنها نیست. «بنده قبلاً هم گفته‌ام، الان هم می‌گویم که ارتباط با اروپا باید ادامه پیدا کند. البته اروپا یک شکل نیست، جاهای مختلفش مختلفند، در یک چیزهایی مشترکند، در یک چیزهایی نه، جور دیگرند، روش‌های مختلفی دارند. به‌رحال با مجموعه‌ای اروپا - کشورهای اروپایی، نه جامعه‌ای اروپا- با کشورهای اروپایی بایستی ادامه‌ای ارتباط باشد اما قطع امید کنید از اینها... این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست، به معنای قطع مذاکره نیست؛ به معنای این است که ما تصمیم خودمان را جور دیگری بگیریم.» ۹۷/۶/۷

گزینه اصلی کدام است؟

سیاست روز: دولتمردان آمریکا از ترامپ رئیس جمهور گرفته تا پومپئو وزیر خارجه و بسیاری از نمایندگان کنگره در کنار محافل رسانه‌ای آمریکایی این روزها بار دیگر پرداختن در باب جمهوری اسلامی ایران را محور برنامه‌های خود قرار داده‌اند. این جوسازی‌ها با محوریت ادعای حمایت از سعودی در برابر عملیات گسترده یمنی‌ها علیه تاسیسات نفتی آرامکو عربستان تشکیل می‌دهد. هفته گذشته یمن در واکنش به جنایات گسترده ائتلاف آمریکایی- سعودی، بزرگترین عملیات پهنپادی را علیه تاسیسات نفتی سعودی اجرا کرد که به اذعان همگان بخش وسیعی از تولید و صادرات نفت عربستان با بحران و تعطیلی مواجه شد و حتی برخی اعلام کردند عربستان به وارد کننده فرآورده‌های نفتی مبدل شده است. آمریکایی‌ها از همان ابتدا ادعای دخالت ایران را مطرح کردند و تلاش نمودند تا چنان القا نمایند که این عملیات از سوی ایران صورت گرفته نه یمن. ادعایی که البته چندان دوام نیاورد و مستندات یمنی‌ها واهی بودن این ادعا را آشکار ساخت.

نکته قابل توجه آنکه آمریکایی‌ها در فضا سازی خود دو مولفه را محور قرار دادند یک بعد نظامی با ادعای حمایت از سعودی در برابر هرگونه تهدیدی و بعد اقتصادی با ادعای اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه جمهوری اسلامی. این محورها در حالی اساس ادعای آمریکایی بوده که نگاهی بر تحولات منطقه و سیاست‌های آمریکا نکاتی قابل توجه در باب این دو گزینه را آشکار می‌سازد. در باب رویکرد نظامی از یک سو ترامپ همواره ادعای اشتباه بودن سیاست‌های اوباما و بوش روسای جمهور پیشین آمریکا مبنی بر رویکرد به گزینه نظامی در خاورمیانه را مطرح کرده است لذا ترامپ با ورود به گزینه نظامی، خود را در ردیف آنها قرار نخواهد داد. این مسئله زمانی آشکارتر می‌شود.

